

الگوهای آزمایش و طبقه‌بندی آن در حکایت‌ها و قصه‌های ایرانی

عباس سعیدی*^۱ سیما رحیمی^۲

(تاریخ دریافت: ۹۵/۲/۲۱، تاریخ پذیرش: ۹۶/۷/۴)

چکیده

آزمایش یکی از بن‌مایه‌های مهم و تکرارشونده در حکایت‌ها و قصه‌های ایرانی است که با اهداف گوناگون و شیوه‌های مختلف ارائه می‌شود. آزمایش‌ها در قصه‌ها معمولاً به‌عنوان شروطی مطرح شده است که شخصیت اصلی یا دیگر شخصیت‌های داستان برای رسیدن به خواسته‌های خود ملزم به انجام آن هستند و عنصری هستند برای محک‌زدن توانایی شخصیت‌ها و یا بستری برای بروز استعدادهای درونی آن‌ها در خلال داستان. اگرچه ظاهراً این آزمایش‌ها تفاوت‌های بسیاری با یکدیگر دارند؛ اما در تمامی آن‌ها می‌توان نشانه‌ها و خصوصیات مشترک پیدا کرد که امکان طبقه‌بندی و دسته‌بندی را برای محققان فراهم می‌کند. در این تحقیق نویسندگان از میان قصه‌ها و حکایت‌های ایرانی مجموع ۲۳۷ قصه و حکایت را انتخاب کرده‌اند و با بررسی ارکان آزمایش (امتحان‌کننده، امتحان‌شونده، شیوه و نوع آزمایش و اهداف آزمایش) در آن‌ها درصدد ارائه الگویی طبقه‌بندی‌شده برای شناخت انواع آزمایش در قصه‌های ایرانی برآمده‌اند.

واژه‌های کلیدی: آزمایش، ارکان آزمایش، حکایت، قصه‌های ایرانی.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علوم و تحقیقات تهران (نویسنده مسئول).

* saidiabbas58@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس.

۱. مقدمه

آزمایش ازجمله اصطلاحاتی است که در حوزه‌های مختلف علوم انسانی همچون فقه، عرفان، قرآن‌پژوهی، ادبیات، حقوق و... مورد بحث و گفت‌وگو بوده و گاه با تعبیر گوناگون و مصداق‌هایی مختلف به کار برده می‌شود. در تعریف آزمایش نوشته‌اند: آزمایش اسم مصدر از آزمودن و در عربی به صورت بلا، امتحان، اختبار و ابتلاست (امیری، ۱۳۸۷: ۹۶). در فرهنگ‌ها (دهخدا، لغت‌نامه، ذیل واژه: دستورالغ، ذیل واژه) برای این واژه کلمات معادلی چون خبرت، تجربه، تجربت، آزمون، رون، اروند، بلیه، محنت و سنجش ذکر شده است.

در باورهای مذهبی و ادیان الهی و متون دینی به آزمایش با اهداف مختلف و در مصداق‌های گوناگون اشاره شده است. در آیین مزدیسنا گذشتن از پل چینوت پس از مرگ نشانه عبور پرهیزکاران به سلامت از آزمایشگاه هول‌انگیز بوده است (گات‌ها، هات ۴۶ بند ۱۰-۱۱؛ آذرگشسب، ۱۳۷۲: ۲۰۴-۲۰۷). نزد مسلمانان نیز پل صراط در روز قیامت وسیله آزمون و تفکیک گناهکاران از معصومان است (عنصری، ۱۳۶۱: ۱۲۹۰؛ طباطبایی، ۱۳۶۲: ۱۰۰). در قرآن نیز به آزمایش‌هایی مختص اشخاص و طایفه‌ای مشخص اشاره شده است.^۱ در اساطیر ملل نیز به کرات به این واژه و مصداق‌های آن برمی‌خوریم. از نمونه‌های این آزمایش‌ها می‌توان به مصونیت از آتش (ور) در اسطوره‌های خاورمیانه اشاره کرد که گاه با عنوان «آتش - روئینگی» در داستان‌هایی چون داستان سیاوش و نیز داستان حضرت ابراهیم^(ع) نمایان می‌شود (عنصری، ۱۳۶۱: ۱۲۸۶؛ معین، ۱۳۶۳: ۱۷۷؛ دوستخواه، ۱۳۹۲: ۳۹۸). این آزمون در اروپا با نام اوردال^۲ متداول بوده است که بیشتر طی مراسمی خاص در کلیسا انجام می‌شد (صرفی، ۱۳۷۹: ۴۵؛ حسنی، ۱۳۵۳: ۵۹؛ داریوسباتوچی، ۱۳۷۸: ۷۹-۱۶۵).

۲. ادبیات پژوهش

۲-۱. پیشینه تحقیق

درباره برخی جنبه‌های آزمایش همچون سوگند، ور، آتش و کارکرد آن در ادیان، اساطیر و ادبیات کتاب‌ها و مقالاتی منتشر شده است که بدین شرح‌اند:

الگوهای آزمایش و طبقه‌بندی آن در حکایت‌ها و قصه‌های ایرانی _____ عباس سعیدی و همکار

۱. رهبر، علی (۱۳۷۴). «سوگند و رد پای آن در ادبیات پارسی». *کاوه* (مونیخ). ش ۲۱.
۲. شریف، علی‌اصغر (۱۳۵۱). «سوگند: ارزش و آیین سوگند». *مهنامه قضایی*. ش ۷۸.
۳. صورتگر، لطفعلی (۱۳۲۱). «تبغات ادبی: سوگند در ادبیات فارسی». *مهر*. ش ۷۲.
۴. ملک‌الشعرا بهار (۱۳۲۱). «سوگند در ادبیات فارسی». *مهر*. ش ۷۴.
۵. رسولی، جواد (۱۳۷۷). *آیین اساطیری ور، پیشینه سوگند در ایران و جهان*. تهران: سروش.
۶. موسوی، زهراالسادات و احمد خاتمی (۱۳۹۱). «بنیاد ابتلاء و امتحان در منظومه خسرو و شیرین نظامی». *تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی*. ش ۱۴.
۷. حسنی، حسن (۱۳۵۶). «سوگند و سوگندخوردن». *مطالعات جامعه‌شناختی*. دوره قدیم. ش ۷.
۸. واحد دوست، مهوش (۱۳۸۴). «نمادینگی آتش و بازتاب آن در متون اساطیری و حماسی ایران». *علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*. ش ۴۲.
۹. صرفی، محمدرضا (۱۳۷۹-۱۳۸۰). «آزمون آتش». *ادب و زبان فارسی*. ش ۱۳ - ۱۴. در زمینه موضوع پژوهش حاضر کتاب یا مقاله‌ای تاکنون منتشر نشده است.

۲-۲. روش تحقیق

نویسندگان ابتدا ۲۳۷ داستان و حکایت را که در آن‌ها آزمایش دیدند، از میان داستان‌های فارسی برگزیدند و به بررسی آن‌ها پرداختند. بعد از بررسی مشخص شد که این داستان‌ها بر پایه ۳ رکن آزمایش (طرفین آزمایش [امتحان‌کننده، امتحان‌شونده]، شیوه و نوع آزمایش و اهداف آزمایش) قابلیت طبقه‌بندی دارند. براساس این الگو داستان‌ها طبقه‌بندی و ویژگی‌های آن‌ها بررسی شد و نتیجه آن به صورت ارائه آمار و نمودار و توصیف و تحلیل در این مقاله بازگو شد.

۲-۳. جامعه آماری پژوهش

جامعه آماری این پژوهش حکایت‌ها و قصه‌های ادبیات کلاسیک فارسی است. در ادبیات داستانی با اصطلاحاتی چون حکایت، افسانه، قصه، داستان، مثل و تمثیل،

سرگذشت، اسطوره، شرح حال و ... مواجه هستیم. این اصطلاحات در مواردی به جای یکدیگر و بدون قاعده و ضابطه‌ای مشخص به ژانرهایی یکسان گفته می‌شود. اگرچه هرکدام از این عناوین ویژگی‌های خاص خود را دارند (میرصادقی، ۱۳۶۶: ۲۱۳)؛ اما با وجود این بیان تعریفی دقیق از آن‌ها و نیز تفکیک هریک از دیگری تا حدودی دشوار و گاه ناممکن است. یکی از عوامل این دشواری تغییر پیوسته معیارهای تمایز آن‌ها از یکدیگر است (رضوانیان، ۱۳۸۹: ۲۱). تمامی این عناوین در سه خصوصیت عمده یعنی خرق عادت، پی‌رنگ ضعیف و کلی‌گرایی اشتراک دارند (میرصادقی، ۱۳۶۶: ۲۱۳)؛ اما در بین این عناوین، حکایت و قصه سنخیت و شباهت بیشتری با یکدیگر دارند. به طوری‌که در تعریف این دو ژانر در ادبیات داستانی و تفکیک آن‌ها از یکدیگر همواره اختلاف نظر و تردید وجود داشته است.

۳. قصه

به آثاری که در آن‌ها تأکید بر حوادث خارق‌العاده بیشتر از تحول و تکوین شخصیت‌ها و آدم‌هاست، قصه می‌گویند (میرصادقی، ۱۳۶۶: ۲۰). قصه محل توازن و تلاقی دنیای خیال و واقعیت است و هیچ مشکلی برای هم‌نشینی خیال و واقعیت نیست (دلشو، ۱۳۶۴: ۱۲۸).

شکل قصه‌ها بیشتر ساده و ابتدایی است و زبانی نقلی و روایی دارد. زبان بیشتر آن‌ها گفتاری و پر از اصطلاحات و لغت‌ها و ضرب‌المثل‌های عامیانه است (میرصادقی، ۱۳۷۷: ۲۱۴). زیربنای فکری و اجتماعی قصه‌ها آموزش و اشاعه اصول انسانی است (حسینی، ۱۳۸۴: ۳۲). مضمون کلی و اصلی تمام قصه‌ها جنگ نیکی و بدی است و پیروزی نهایی نیروی خیر بر نیروهای بدی.

۳-۱. ویژگی‌های برجسته قصه‌ها

قصه‌ها شخصیت‌هایی ثابت و همیشگی دارند که به دو دسته قهرمان و ضد قهرمان تقسیم می‌شوند. آدم‌های قصه‌ها یا خوب هستند یا بد یا سفیدند یا سیاه. چیزی میان این دو وجود ندارد (حسینی، ۱۳۸۴: ۳۲). شخصیت‌های قهرمان در هیئت شاهزاده و کچل و ... و شخصیت‌های ضدقهرمان در هیئت زن‌پدر، مادرشوهر و ... نمایان می‌شوند.

الگوهای آزمایش و طبقه‌بندی آن در حکایت‌ها و قصه‌های ایرانی _____ عباس سعیدی و همکار

بسیاری از عناصر قصه‌های عامیانه عناصری تکرارشونده هستند؛ مانند مکان‌های عجیب، حوادث خاص و... .

عناصر قصه‌های ایرانی بسیار ساده‌اند (پیشانی و شیربچه، ۱۳۸۸: ۵). در قصه با عناصر و حوادث طبیعی همچون موجودات زنده برخورد می‌شود. درخت سخن می‌گوید. کبوتر به قهرمان یاری می‌رساند. قهرمان درد دل خویش را با سنگ می‌گوید و رویدادهای خیالی پیش‌آمدهایی عادی به نظر می‌رسند (آذرافشار، ۱۳۷۶: ۴۳).

قصه‌های ایرانی با جملات خاصی آغاز می‌شوند که رایج‌ترین آن «یکی بود و یکی نبود غیر از خدا هیچ کس نبود» است. این آغازگری بیانگر نوعی فرار از زمان یا اشاره به زمان آغازین و ازلی است (پیشانی و شیربچه، ۱۳۸۸: ۵).

در قصه حوادث به ترتیب وقوع زمانی طرح می‌شوند. قصه‌گو حوادث را بنا به میل خود نمی‌چیند؛ بلکه همه چیز براساس زمان اتفاق روایت می‌شود (حسینی، ۱۳۸۴: ۳۵).

۴. حکایت

حکایت واژه‌ای عربی و از ریشه «حَکَى» است، یعنی مشابهت و همانندی در گفتار و کردار (معین، ذیل واژه). براساس این تعریف حکایت یادآور اتفاق یا ماجرابی است که علت و واسطه یادآوری آن بر همانندی و شباهت استوار است. درباره حکایت و تعریف آن نظرات مختلفی بازگو شده است. در ادبیات سنتی و قدیم فارسی، حکایت عنوانی برای داستان‌های کوتاه با شخصیت‌های اندک، زمان و مکانی محدود است و عنوان حکایت را گاه به جای ژانرهایی چون سرگذشت، قصه، داستان، تاریخ، افسانه و ... نیز به کار می‌برده‌اند؛ اما از نظر ادبی حکایت را می‌توان نوعی بازگویی ساده و غالباً مختصر از یک واقعه (واقعی یا ساختگی) تعریف کرد که در بین مردم شهرت دارد (رمزجو، ۱۳۷۰: ۱۷۹). حکایت‌ها به داستان‌هایی ساده گفته می‌شدند که بیشتر جنبه تمثیلی داشته‌اند (رضوانیان، ۱۳۸۹: ۲۹). حکایت‌ها معمولاً برگرفته از فرهنگ شفاهی مردم است، چنان‌که معمولاً منبع نقل آن‌ها ناشناخته است و بیشتر با فعل جمع «آورده‌اند» یا اصطلاح «حکایت کرده‌اند» می‌آیند (همان، ۳۳). از این منظر می‌توان حکایت را شکل آغازین قصه و داستان دانست.

۴-۱. ویژگی‌های برجسته حکایت‌ها

حکایت به طور کاملاً موجز و مختصر بیان می‌شود و برای انتقال پیام، زمینه‌چینی نمی‌کند. ساختار حکایات ساده و ابتدایی است؛ زیرا الگویی که بر آن‌ها حاکم است منطقی سطحی دارد، نه منطقی که از واقعیت‌های پیچیده زندگی ناشی شده و یا بینش عمیق نویسنده به آن عمق بخشیده باشد (براهنی، ۱۳۶۲: ۴۰-۴۱).

پیام مستتر در حکایت، سریع و واضح ابراز می‌شود و حکایت‌ساز هیچ گاه هدف و پیام نهایی حکایتش را در لفافه صنایع ادبی نمی‌پیچد.

در حکایت، از آنجاکه مضمون بیشتر بکر و تکان‌دهنده است، لزومی به جست‌وجو و بررسی جوانب حوادث و ماجراها احساس نمی‌شود. اگرچه در روایت‌های کهن فارسی، همه سبک‌های امروزی داستان‌نویسی را می‌توان دید (مثل فضاهای سورئالیستی و جادویی، ناتورالیستی، سمبولیستی و...؛ اما به طور کلی، حقیقت‌گرایی خاصی بر همه حکایت‌ها تسلط دارد که ناشی از آرمان‌گرایی حاکم بر اندیشه‌های گذشتگان است. علت این امر تکیه‌داشتن بر هدف غایی و اصلی حکایت است که همانا پیامی است که حکایت‌ساز در نظر داشته است و جز آن، به هیچ هدف دیگری (مثل فرم‌گرایی و جنبه‌های ساختاری) توجه ندارد.

۴-۲. آزمایش در قصه و حکایت‌ها

در قصه و حکایت‌ها با شیوه‌های مختلف آزمایش و کارکردهای گوناگون آن روبه‌رو هستیم. در این حکایت‌ها آزمایش یکی از عناصر مهم تشکیل‌دهنده داستان است. پراپ (۱۳۹۲: ۸۶) هم با تأکید بر این نکته یکی از خویشکاری‌های طبقه‌بندی قصه‌های پریان را (خویشکاری شماره ۱۱ با علامت MN) به آزمایش اختصاص داده است. آزمایش در قصه‌ها و حکایت‌ها شرطی برای رسیدن قهرمان یا یکی از شخصیت‌های داستان به خواسته‌های خود است. از این رو آزمایش گاه از سوی قهرمان اعمال می‌شود و او فردی را امتحان می‌کند و گاه با هدف از سر باز کردن قهرمان و یا محک‌زدن توانایی‌های او از سوی شخصیت‌های دیگر داستان صورت می‌گیرد (خدیش، ۱۳۸۷: ۹۴). در نمونه نوع دوم عموماً آزمایش‌ها از سوی شخصیت ضدقهرمان و منفی، شاه، حاکم،

شاهزاده و یا اشخاص مختلف دیگری بر قهرمان تکلیف می‌شود (همان، ۹۵). این شرط دستیابی از موارد دشواری است که تنها انجام آن از عهده قهرمان برمی‌آید (پیشانی و شیربچه، ۱۳۸۸: ۱۲۰). این شروط بدین دلیل دشوار است که آزمایش‌کننده می‌داند که قهرمان از عهده انجام آن برنمی‌آید و احتمالاً در گیرودار آن از بین خواهد رفت. نمونه‌های این شرط‌های دشوار در ادبیات شفاهی و مکتوب فارسی نیز فراوان دیده می‌شود، مانند اجرای شرط‌های کشتن سیمرغ، جنگ با توران یا کشتن رستم توسط اسفندیار برای رسیدن به پادشاهی از سوی گشتاسب (همان‌جا)؛ اما گاه خلاف تصور آزمایش‌کننده، قهرمان قصه در این آزمایش پیروز می‌شود؛ مانند شرط ملکه برونهیلده در اسطوره سرود نیبلونگن که برای ازدواج، آزمون سخت در پیش پای خواستگاران قرار می‌دهد؛ اما زیگفرید با پوشیدن شنل جادویی، نامرئی می‌شود و به گونه‌تر کمک می‌کند تا در این آزمون پیروز شود (سلامی و صفی، ۱۳۹۱: ۹۹).

باید به این نکته توجه کرد که انجام کارهای دشوار به‌عنوان امتحان قهرمان در داستان متفاوت از مشکلاتی است که در موقعیت مقدماتی داستان و یا در جریان حوادث قصه رخ می‌دهد. آزمایش مشکلی است که قهرمان در میانه داستان با آن روبه‌رو می‌شود و برای رسیدن به هدف نهایی باید بتواند از عهده انجام آن برآید. درواقع محل وقوع این دو مشکل (آزمایش و مشکل موقعیت مقدماتی) در جریان داستان کارکرد آن‌ها را متمایز کرده‌است. کار دشوار و آزمایش معمولاً عامل محرک داستان نیست و طرح روایی قبلاً با وقوع یک مشکل دیگر شروع شده و شکل گرفته است (خدیش، ۱۳۸۷: ۹۶). تفاوت دیگر این دو کارکرد، ضرورت رخ دادن آن‌هاست. وقوع مشکل در وضعیت مقدماتی برای شکل‌گیری هر داستان ضروری است؛ اما آزمایش و کار دشوار می‌تواند در داستان بیاید و بر گیرایی آن بیفزاید و یا نه (همان، ۹۷).

۳-۴. ارکان آزمایش

در بررسی تمامی نمونه‌های آزمایش با سه رکن روبه‌رو هستیم:

۱. اهداف آزمایش؛
۲. طرفین آزمایش (آزمایش‌شونده و آزمایش‌کننده)؛

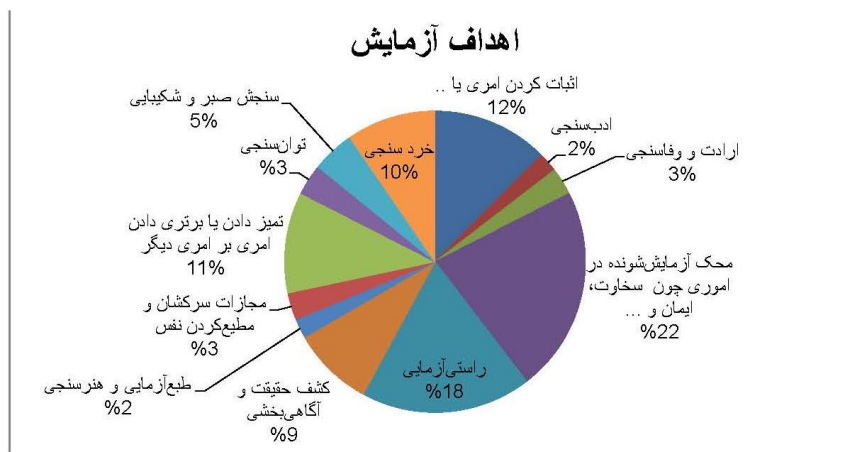
۳. نحوه و نوع آزمایش.

۱-۳-۴. اهداف آزمایش

در نگاهی اجمالی می‌توان فلسفه هر آزمایش را ظهور حقیقی شخصیت افراد، دستیابی و تعیین معیاری برای ثواب و پاداش یا عقاب، آشکارکردن صدق و راستی و ... برشمرد؛ اما با بررسی‌های انجام‌شده در این طبقه‌بندی اهداف آزمایش را می‌توان این‌گونه برشمرد:

۱. کشف حقیقت و شناخت مجهولات و آگاهی‌بخشی؛
۲. اثبات‌کردن واقعه یا امری مانند اثبات یا رفع اتهام، اثبات بلندطبعی، بی‌گناهی، درستی دین، حقانیت اولیا و پیامبران و ...
۳. تمیزدادن یا برتری‌بخشیدن امری بر امری دیگر یا فردی بر فرد دیگر و نشان‌دادن شایستگی برای رسیدن به موقعیت یا کسب درجات؛
۴. راستی‌آزمایی (سخن، ادعا، عاشق و معشوق، صداقت دوستان و ...) و افشای سخن و ادعای کذب؛
۵. ادب‌سنجی؛
۶. طبع‌آزمایی و هنرسنجی؛
۷. محک‌زدن آزمایش‌شونده در اموری چون ایمان، توبه، فرمان‌برداری، فراست و کرامت، جوانمردی و انصاف، وفای به عهد، حضور قلب و شجاعت، سخاوت و کرم؛
۸. ارادت و وفاسنجی؛
۹. توان‌سنجی؛
۱۰. مجازات و تنبیه سرکشان و مطیع‌کردن نفس؛
۱۱. سنجیدن صبر و شکیبایی؛
۱۲. خردسنجی.

نمودار ۱ درصد تکرار هر یک از اهداف را در بررسی داستان‌ها نشان می‌دهد.



نمودار ۱: اهداف آزمایش

در بین حکایت‌های بررسی‌شده بیشترین تعداد آزمایش (۲۲ درصد) مربوط به «محک‌زدن آزمایش‌شونده در اموری چون سخاوت، ایمان، فرمان‌برداری، وفای به عهد و...»، و کمترین تعداد (۲ درصد) مربوط به «ادب‌سنجی» و «طبیع‌آزمایی و هنر‌سنجی» است. این نکته بیانگر آن است که در این داستان‌ها همواره آزمایش‌کننده درصدد است تا بخشی از ویژگی‌ها یا خصوصیات آزمایش‌شونده را مورد سنجش و محک قرار دهد و از این طریق به شناخت وی دست یابد. این هدف در تمامی گروه‌های آزمایش به نوعی وجود دارد. برای مثال، برای محک‌زدن میزان فرمان‌برداری آزمایش‌شونده، طالوت در جنگ با جالوت به لشکریانش فرمان می‌دهد با وجود تشنگی زیاد، کسی از رودخانه آب نخورد (بلعمی، ۱۳۴۱: ۵۳۹-۵۴۴). سلطان محمود برای نشان‌دادن میزان اخلاص و محک فرمان‌برداری ایاز به همه ندمای خود دستور می‌دهد که جام یاقوت را بشکنند؛ اما تنها ایاز از دستور سلطان اطاعت می‌کند (مبیدی، ۱۳۳۱-۱۳۳۹: ۵/ ۳۹۳). در گروه عرفا و اولیا، مردی کافر زن مؤمن خود را با آتش تنور امتحان می‌کند، زن سالم از آتش بیرون می‌آید و مرد مؤمن می‌شود (خوافی، ۱۳۴۵: ۳۳). فضیل عیاض بعد از

توبه کردن تمام اموال خود را به دشمنانش می‌بخشد تا او را عفو کنند. مردی جهود برای محک زدن توبه وی از او می‌خواهد تا خاک را تبدیل به زر کند، فضیل این کار را انجام می‌دهد و مرد جهود مسلمان می‌شود (ژنده‌پیل، ۱۳۷۳: ۱۰۲)، شیخ اقطع سوگند می‌خورد که هرگز میوه‌ای را با دست از درخت نچیند. خدا برای محک زدن وفاداری وی به عهد خود، اراده می‌کند که میوه‌ای از درختان نریزد. شیخ اقطع سوگند خود را می‌شکند و میوه‌ای را از درخت می‌چیند و به اشتباه به عنوان دزد دستگیر می‌شود و در نتیجه دستش را قطع می‌کند (مینوی، ۱۳۸۹: ۱۲۵-۱۲۶).

۲-۳-۴. آزمایش کننده و آزمایش شونده (طرفین آزمایش)

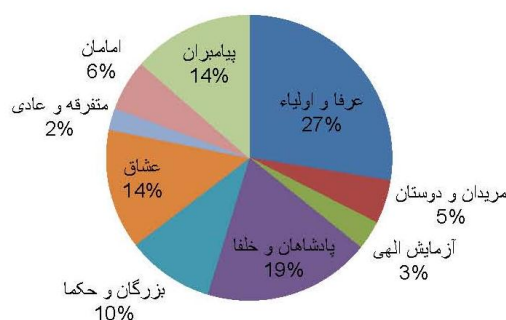
طبق طبقه‌بندی نگارندگان، طرفین آزمایش به ۹ گروه تقسیم می‌شوند که عبارت‌اند از:

تعداد داستان	گروه‌ها
۱۳	امامان
۳۲	پیامبران
۸	آزمایش الهی
۴۵	پادشاهان و خلفا
۲۴	بزرگان و حکما (شعرا، نویسندگان، دانشمندان، وزرا، خطبا و...)
۳۳	عشاق
۶۴	عرفا و اولیا
۱۲	میریدان و دوستان
۶	متفرقه و عادی

جدول ۱: طرفین آزمایش

نمودار ۲ درصد اختصاص داستان‌ها را به هر یک از طرفین آزمایش نشان می‌دهد:

گروه‌های آزمایش



نمودار ۲: گروه‌های آزمایش

کمترین تعداد آزمایش (۳ درصد) مربوط به گروه آزمایش الهی و بیشترین تعداد آزمایش (۲۷ درصد) مربوط به گروه عرفا و اولیاست. این مسئله بیانگر آن است که داستان اولیا در متون ادبی رواج بیشتری دارد و بیشترین آزمون‌گران و آزمون‌شوندگان در این گروه هستند؛ زیرا همواره عرفا و اولیا از سوی مردم یا مریدان انکار می‌شدند و یا حقانیت و کرامات آن‌ها به منظور راستی‌آزمایی از سوی دیگران آزموده می‌شد.

از میان این نوع داستان‌ها برای نمونه می‌توان به این موارد اشاره کرد:

مریدان و اطرافیان شیخ داود پیوسته به وی معترض‌اند که چرا پسرعمویش را بیشتر از برادرش دوست دارد. شیخ برای نشان‌دادن شایستگی پسرعمویش به آن دو امر می‌کند تا گنجشکی را در جایی خلوت، که کسی نباشد، بکشند. برادر شیخ گنجشک را می‌کشد و باز می‌گردد؛ اما پسرعموی وی پس از ساعتی با گنجشک زنده باز می‌گردد و می‌گوید به هر کجا که رفتم، خدا را در آنجا حاضر دیدم (دقایق/الحقایق، ۴۰۰-۴۰۲). ذوالنون موشی را در جعبه می‌گذارد و به یوسف‌بن‌حسن که خواستار فهمیدن اسم اعظم است، می‌دهد و سفارش می‌کند آن را باز نکند. یوسف طاقت نمی‌آورد و جعبه را باز می‌کند و موش فرار می‌کند (عطار، ۱۳۸۰: ۳۸۳-۳۸۴). شقیق بلخی برای امتحان زنی پارسا از شوهر زن می‌خواهد به او پیغام دهد که به علت عبادت زیاد از من غافلی و من قصد ازدواج مجدد دارم. زن با شنیدن پیغام شوهر برآشفته می‌شود و برای این امر حلال شوهر را تهدید می‌کند (عوفی، ۱۳۶۰-۱۳۷۰: ۲/ (۳) ۶۹۱). قاضی‌ساعد برای آزمودن شیخ بوسعید دو بره بریان را، یکی حلال و دیگری حرام، برای او می‌فرستد. در بین راه

دزدان بره حرام را می‌دزدند و بره حلال به شیخ می‌رسد (محمدبن‌منور، ۱۳۶۷: ۱۰۲-۱۰۳). شیخی که یک گلابی از باغی خورده است برای حلالیت نزد صاحب باغ می‌رود. صاحب باغ شرط حلالیت مرد را ازدواج با دختر زشت‌رو و بداخلاق خود برمی‌شمارد و مرد می‌پذیرد (رجایی، ۱۳۵۴: ۷۶-۷۷).

۴-۳-۳. نحوه و نوع آزمایش

نحوه آزمایش‌ها به سه دسته کلی کلامی، اخلاقی و کرداری تقسیم می‌شود.

۴-۳-۳-۱. کلامی (۷۰ مورد)

در این شیوه نوع آزمایش‌ها عبارت‌اند از:

دروغ‌گفتن (بازگوکردن سخن محال، اعلام خبر دروغ مرگ معشوق، بازگویی نقص خود به عاشق)، صدازدن و اجابت ندا، آوازخواندن، سؤال و جواب (مناظره، پیشگویی کردن و خبردادن از غیب، پرسش و پاسخ، خبردادن از امر پنهان، حاضر جوابی و...)، خواستگاری کردن (زبانی درخواست امر ازدواج کردن)، ذکر نام خدا و خواندن کتاب دینی، رازگفتن، سرودن شعر، سوگندخوردن. این آزمایش‌ها در گروه‌های امامان ۵ مورد، بزرگان و حکما ۱۰ مورد، پادشاهان و خلفا ۱۹ مورد، پیامبران ۱۰ مورد، دوستان و مریدان ۴ مورد، عرفا و اولیا ۱۳ مورد، عشاق ۶ مورد و متفرقه ۴ مورد است. الگوی آزمایش کلامی در گروه‌های آزمایش براساس شیوه آن‌ها در جدول ۲ بیان شده است:

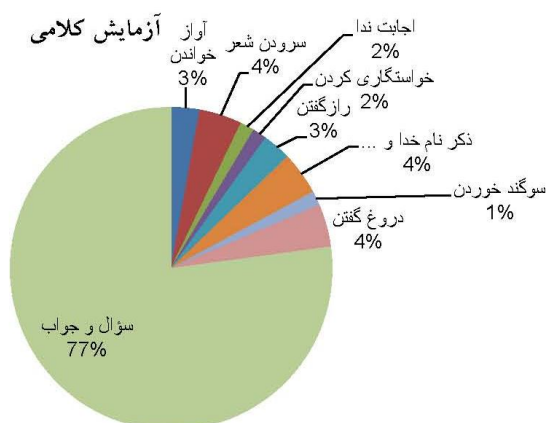
آواز خواندن	دروغ گفتن	ذکر نام خدا و خواندن کتاب دینی	رازگفتن	سرودن شعر	سؤال و جواب	سوگند خوردن	خواستگاری کردن	اجابت ندا
					۵			امامان
		۲			۸			پیامبران
			۱	۱	۱۵		۱	پادشاهان و خلفا
				۲	۷			بزرگان و حکما
۱	۲				۳			عشاق
		۱			۱۱			عرفا و اولیا
	۱		۱		۲			مریدان و دوستان
					۳	۱		متفرقه و عادی

جدول ۲: الگوی آزمایش کلامی

در بررسی‌ها، بیشترین تعداد آزمایش از نوع کلامی مربوط به شیوه سؤال و جواب (۷۷ درصد) و کمترین تعداد سوگندخوردن (۱ درصد) است که گروه پادشاهان و

الگوهای آزمایش و طبقه‌بندی آن در حکایت‌ها و قصه‌های ایرانی _____ عباس سعیدی و همکار

خلفا بالاترین بسامد استفاده از این شیوه (۱۵ مورد) را دارد. این مسئله بیانگر آن است که در شیوه آزمایش کلامی آزمایش‌کننده همواره درصدد راستی‌آزمایی آزمایش‌شونده است و در این میان بهترین روش برای رسیدن به این هدف و آشکارکردن توانایی یا استعداد فرد ممتحن و یا محک‌زدن او استفاده از شیوه سؤال و جواب است.



نمودار ۳: شیوه‌های آزمایش کلامی

از میان این نوع داستان‌ها برای نمونه می‌توان به این موارد اشاره کرد:
 امام رضا^(ع) با پرسیدن سؤالاتی از زنی به نام زینب که مدعی است خویشاوند پیامبر است، دروغ‌بودن ادعایش را نشان می‌دهد (عطار، ۱۳۷۷: ۸۴). مأمون (به سبب تأثیرپذیری از عباسیان) امام علی‌النقی^(ع) را به وسیله یحیی‌بن‌اکثم مورد آزمایش قرار می‌دهد و امام در مقابل پرسش‌های دشوار پیروز می‌شود (شیعی سبزواری، ۱۳۷۸: ۲۴۰-۲۴۲). خواجه عمید برای سنجیدن طبع شعری فرخی از او می‌خواهد شعری در وصف داغگاه شاه بگوید. فرخی با وجود ندیدن داغگاه شعری زیبا می‌سراید (نظامی عروضی، ۱۳۲۷: ۶۰-۶۷). فاکه‌بن مغیر به دلیل بدگمانی به هند نزد کاهنی می‌رود؛ ولی ابتدا غیب‌گویی کاهن را با پرسیدن سؤالاتی آزمایش می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۳۷۱: ۳۵). درویشی برای امتحان خلیفه بغداد که بر در سرایش نوشته «مَنْ طَلَبَ وَجَدَ وَجَدَ» از دختر او خواستگاری می‌کند و خلیفه با آزمایش او وی را به دامادی می‌پذیرد (میبی، ۱۳۳۱-۱۳۳۹: ۲۳۱-۲۳۳). سلطان محمود برای امتحان میزان سواد منجم خود، سؤالی از او می‌پرسد. منجم برای پاسخ‌دادن از تخته خاک استفاده می‌کند و سلطان او را تحسین می‌کند (نیشابوری، ۱۳۴۱).

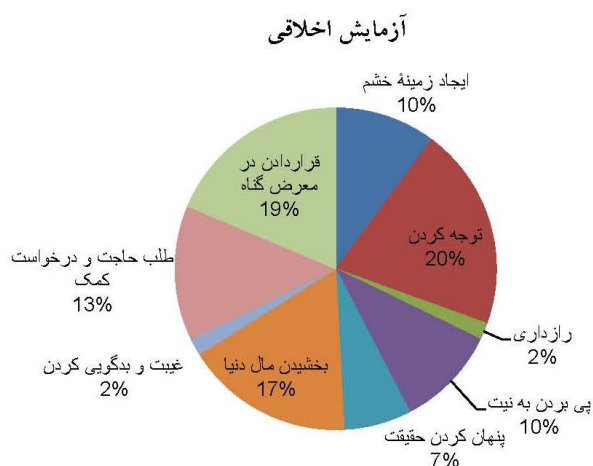
۱۶۷). مجینیوس حکیم به امر پادشاه جزیره شامس با طرح سؤالاتی وامق را می‌آزماید و وامق به سؤالات پاسخ می‌دهد (عنصری، ۱۹۶۶: ۹۷). منصور عمار برای امتحان کردن جوانی که از عذاب خدا توبه می‌کند، آیه‌ای می‌خواند و جوان از ترس عذاب خدا نعره می‌زند و جان می‌دهد (جرجانی، ۱۳۳۷: ۱/ ۵۱-۵۲). پدری به قصد آزمودن پسر خود که نزد معلم نحو می‌رود، از او سؤالاتی می‌پرسد و او با زیرکی و سخنانی نغز به پدر پاسخ می‌دهد (راغب اصفهانی، ۱۳۷۱: ۱۹). خسرو پرویز برای آنکه میزان ثبات و پایداری فرهاد در عشق به شیرین را بیازماید، او را به دربار می‌آورد و با وی مناظره‌ای ترتیب می‌دهد. فرهاد در آن مناظره با سخنان دلنشین عشق خود را به شیرین نشان می‌دهد. مردی به لیلی می‌گوید: مجنون در فراق تو مرده است. لیلی نیز همان دم جان می‌دهد (دهلوی، ۱۹۶۴: ۱-۲۸۶).

۲-۳-۴. آزمایش اخلاقی

در این شیوه، نوع آزمایش‌ها عبارت‌اند از: ایجاد زمینه خشم (عصبانی کردن آزمایش‌شونده)، بخشیدن مال دنیا، پنهان کردن حقیقت، پی‌بردن به نیت، توجه کردن، رازداری، طلب حاجت و درخواست کمک، قراردادن در معرض گناه، غیبت و بدگویی کردن که شامل گروه‌های امامان ۴ مورد، بزرگان و حکما ۶ مورد، پادشاهان و خلفا ۵ مورد، پیامبران ۵ مورد، دوستان و مریدان ۴ مورد، عرفا و اولیا ۲۵ مورد، عشاق ۶ مورد، آزمایش الهی ۳ مورد و متفرقه ۱ مورد است.

ایجاد زمینه خشم	بخشیدن مال دنیا	پنهان کردن حقیقت	پی‌بردن به نیت	توجه کردن	قراردادن در معرض گناه	رازداری	طلب حاجت و درخواست کمک کردن	غیبت و بدگویی کردن
۲							۲	امامان
				۲	۲		۱	پیامبران
				۱	۲			الهی
	۲			۲				پادشاهان و خلفا
	۱	۲			۲		۱	بزرگان و حکما
	۱			۵				عشاق
۴	۶	۲	۶		۴	۱	۲	عرفا و اولیا
				۲			۲	مریدان و دوستان
					۱			متفرقه و عادی

جدول ۳: الگوی آزمایش اخلاقی برای هر یک از گروه‌های آزمایش براساس شیوه آن‌ها



نمودار ۴: شیوه‌های آزمایش اخلاقی

در بررسی‌ها، بیشترین تعداد آزمایش از نوع اخلاقی مربوط به شیوه توجه کردن (۲۰ درصد) و کمترین آن مربوط به رازداری و غیبت و بدگویی کردن (۲ درصد) است. این امر نشان می‌دهد در آزمایش‌های اخلاقی آنچه مورد توجه است وفاداری و تعهد آزمایش‌شونده نسبت به آزمایش‌کننده است و فرد آزمایش‌کننده از این طریق درصدد است تا میزان وفاداری فرد ممتحن را محک بزند. در آزمایش اخلاقی، گروه عرفا و اولیا بالاترین بسامد آزمایش را دارند. این مسئله بیانگر آن است که در زمینه آزمایش‌های اخلاقی تعداد داستان‌های اولیا بیشتر از دیگر داستان‌هاست و از سوی دیگر اولیا و عرفا به‌طورمستمر با شیوه‌های گوناگون آزمایش‌های اخلاقی همچون ایجاد زمینه خشم، بخشیدن مال دنیا، پنهان کردن حقیقت، پی بردن به نیت از راه نشان دادن کرامت و ... برای راستی‌آزمایی اعمال، اقوال و افکارشان سنجیده می‌شده‌اند و از سوی اطرافیان (مخالفان و موافقان) صبر و شکیبایی، بلندطبعی، کرامت و حقانیت و ایمان آن‌ها آزمون می‌شده است.

از میان این نوع داستان‌ها برای نمونه می‌توان به این موارد اشاره کرد:

بندگان بنی‌امیه و بنی‌هاشم با طلب کردن پول از سروران خود جوانمردی آن‌ها را می‌آزمایند (غزالی، ۱۳۹۲: ۲۱۵-۲۱۶). فضل برمکی برای مداوای بیماری خود جاثلیق را از شیراز فرامی‌خواند؛ اما قبل از آغاز مداوا با پنهان کردن بیماری و گفتن عارضه‌ای دروغی

او را می‌آزماید (نظامی عروضی، ۱۹۰۹: ۱۳۵-۱۳۶). مادر حاتم برای آزمایش برادر حاتم در ظاهر گدایان درمی‌آید و از وی طلب کمک می‌کند. بعد از دو بار طلب کمک کردن، در مرتبه سوم برادر حاتم معترض وی می‌شود و مادر چهره خود را به او نشان می‌دهد (عوفی، ۱۳۶۰-۱۳۷۰: ۶۰۱-۶۰۳). شعیب به علت فقر و فاقه راهی سفر می‌شود و شبی در مدرسه‌ای در شیراز با زنی جنی روبه‌رو می‌شود که او را به امر منکر فرامی‌خواند. شعیب مقاومت می‌کند و دیلمان جنی که همسر زن است، به‌عنوان پاداش به وی گنجی شایسته می‌دهد (فراهی، ۱۳۷۳: ۳۵۳-۳۵۵). پادشاهی منش و سیرت دو غلام زیبارو و زشت‌روی خود را با بدگویی از آن‌ها در غیاب یکدیگر می‌آزماید (مولوی، ۱۳۷۵: ۲/۲۹۳-۳۰۴). خدیجه در ابتدای نزول جبرئیل، با برداشتن پوشش سر به پیامبر^(ص) کمک می‌کند تا تشخیص دهد که جبرئیل فرشته است یا شیطان (حسنی رازی، ۱۳۶۴: ۸۳-۸۴). حضرت داود^(ع) با خواندن مراتب پیامبران از خدا می‌خواهد او را به این درجه برساند. شرط رسیدن به این مقام سربلند بیرون آمدن از امتحان است. خدا او را از طریق زن اوریا امتحان می‌کند و داود^(ع) موفق نمی‌شود (بلعمی، ۱۳۴۱: ۵۴۸-۵۵۷). ندیم پیشه‌ای پس از بازگشت از تجارت هند برای آزمایش اطرافیان مدعی می‌شود که راهزنان اموال او را به تاراج برده‌اند و مفلس شده است. به غیر از خواهرش همه از او روی برمی‌گردانند (راغب اصفهانی، ۱۳۷۱: ۱۲۸). بازرگانی برای آزمایش دوستان خود و دوستان پسرش، گوسفندی را کشته و مدعی می‌شود مقتول است. آن دو برای مخفی شدن به در خانه دوستان پسر می‌روند؛ اما کسی به آن‌ها پاسخ مثبت نمی‌دهد، به در خانه دوستان پدر می‌روند، همگی آن‌ها را می‌پذیرند (وراوینی، ۱۳۶۷: ۱۵۸-۱۷۳). صوفی‌ای عاشق زییده می‌شود. زییده به او ده کیسه زر می‌دهد و با دیدن کیسه‌های زر، از عشق او دست می‌کشد (عطار، ۱۳۶۸: ۲۴۸-۲۴۹). جوانی به زنی زیبارو اظهار عشق می‌کند. زن به دروغ توجهش را به خواهرش جلب می‌کند. جوان بلافاصله، سر برمی‌گرداند و زن سیلی محکمی به صورت او می‌نوازد و او را دروغ‌گو می‌خواند (سنایی، ۱۳۷۷: ۳۳۲-۳۳۴).

۳-۳-۴. آزمایش کرداری

در این شیوه، نوع آزمایش‌ها بدین شرح‌اند: آزمایش با آب، آتش، انتخاب کردن، انجام کار سخت و دشوار، انجام کار غیرممکن، ایجاد هراس و وحشت، در سختی انداختن، زورآزمایی و جنگاوری، سنجش حواس، قربانی دادن، کشتن پرنده در جای خلوت،

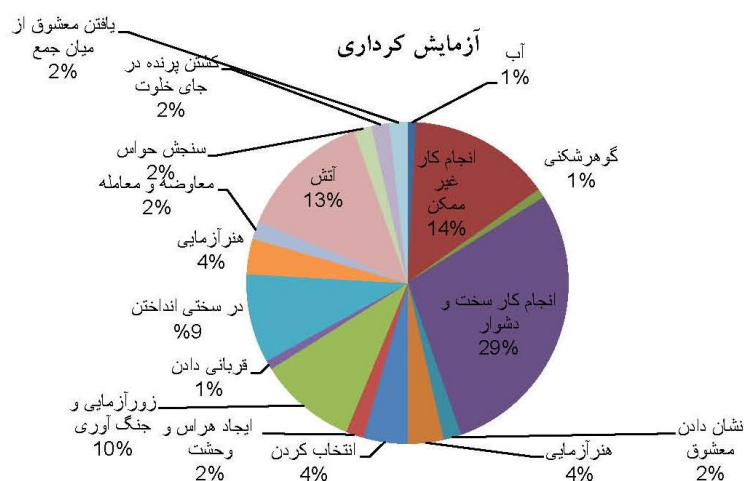
الگوهای آزمایش و طبقه‌بندی آن در حکایت‌ها و قصه‌های ایرانی _____ عباس سعیدی و همکار

گوهرشکنی، معامله و معاوضه، نشان دادن معشوق، هنرآزمایی، یافتن معشوق از میان جمع.

آزمایش کرداری شامل ۱۰۸ مورد است؛ گروه‌های امامان ۴ مورد، بزرگان و حکما ۸ مورد، پادشاهان و خلفا ۲۲ مورد، پیامبران ۱۷ مورد، دوستان و مریدان ۴ مورد، عرفا و اولیا ۲۶ مورد، عشاق ۲۱ مورد، آزمایش الهی ۵ مورد و متفرقه و عادی ۱ مورد.

آب	آتش	انجام کار سخت و دشوار	سنجش حواس	انجام کار غیر ممکن	در سختی انداختن	انتخاب کردن	زورآزمایی و جنگ آوری	گوهر شکنی	معاوضه و معامله	هنرآزمایی	قربانی دادن	کشتن پرنده در جای خلوت	ایجاد هراس و وحشت	نشان دادن معشوق	یافتن معشوق از میان جمع
۱	۲	۱	۱	۷	۳	۲					۱				
	۲	۲		۲			۱								
										۳					
	۲	۴	۱	۲	۲	۱	۵	۱	۱						
	۱	۳		۱	۲	۱									
				۱	۱		۵							۲	۲
۱	۷	۱۰	۳			۱			۱			۱	۲		
		۱			۲							۱			
										۱					
											۱				

جدول ۴: الگوی آزمایش کرداری



نمودار ۵: آزمایش کرداری

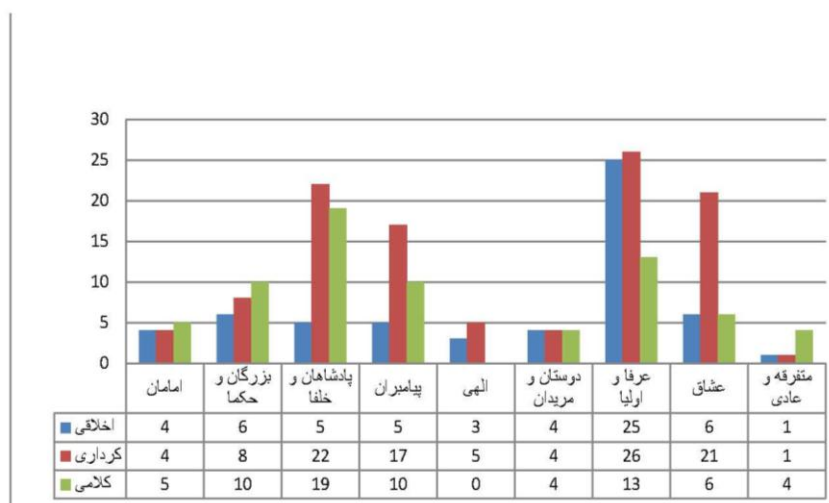
در بررسی‌ها، بیشترین تعداد آزمایش از نوع کرداری مربوط به شیوه انجام کار سخت و دشوار (۲۹ درصد) و کمترین تعداد مربوط به آزمایش از طریق آب، گوهرشکنی و قربانی‌دادن (۱ درصد) است. این نکته بیانگر آن است که در این داستان‌ها همواره آزمایش‌کننده درصدد است تا با قراردادن فرد آزمایش‌شونده در موقعیت مشکل و دشوار به طور عملی توانایی و یا استعداد فرد ممتحن را محک بزند. این نوع از آزمایش (شیوه انجام کار سخت و دشوار) در دو گروه (عشاق) و (عرفا و اولیا) بیشترین نمونه را دارد. در این دو گروه فرد آزمایش‌کننده درصدد است تا با اعمال این شیوه، شایستگی و توانایی فرد ممتحن را بسنجد و با راستی‌آزمایی وی صداقت و درستی گفته‌ها و ادعاهای وی را آشکار کند.

از میان داستان‌های بررسی‌شده برای نمونه می‌توان به این موارد اشاره کرد:

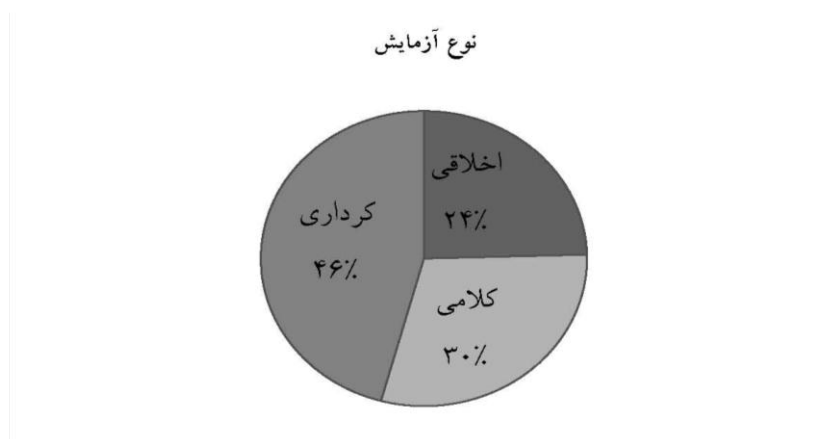
امام موسی‌بن‌جعفر^(ع) برای اثبات شایستگی خود در امر امامت نسبت به برادرش دست در آتش می‌برد و آتش دست او را نمی‌سوزاند؛ اما برادرش این کار را نمی‌کند (شیعی سبزواری، ۱۳۷۸: ۲۱۳-۲۱۴). زنی مدعی است که حضرت زینب^(س) است. از آنجا که حیوانات درنده گوشت فرزندان رسول^(ص) و اهل بیت را نمی‌خورند، امام هادی^(ع) برای امتحان از او می‌خواهد وارد قفس شیران درنده شود؛ اما او می‌ترسد و نمی‌پذیرد (نورعلی شاه، ۱۳۴۸: ۶۹۷-۷۰۰). قیصر روم برای آزمایش حاتم طایی از او ۱۰۰ شتر سرخ‌موی سیاه‌چشم طلب می‌کند و حاتم با قرض از خویشان خواسته قیصر را برآورده می‌کند (عوفی، ۱۳۶۰-۱۳۷۰: ۱۶۳ باب پنجم از قسم دوم). بعد از مرگ یزدگرد تاج شاهی را به برادر بهرام می‌دهند. بهرام برای اثبات توانایی خود برای شاهی به نبرد با شیران می‌پردازد و تاج را از بین دو شیر می‌رباید (بلعمی، ۱۳۴۱: ۹۲۲-۹۵۰). شاه در شکارگاه از دو غلام خود می‌خواهد به مصاف شیر بروند. غلام محبوب بی‌درنگ سلاح برمی‌گیرد و غلام دیگر بهانه می‌آورد (جامی، ۱۳۷۰: ۴۰ به بعد). پادشاه برای امتحان خیاطی که متهم به دزدی از پارچه‌هاست، پارچه‌ای با نقش ۵۰۰ شیر برای دوخت لباس به او می‌دهد. لباس تهیه‌شده توسط خیاط در نهایت ۴۵۰ نقش شیر بیشتر ندارد (کاشانی، ۱۳۷۹: ۱۷۳). پادشاه قصد دارد رومیان و چینیان را در صورت‌گیری بیازماید. چینیان به تصویرگری و رومیان به صیقل‌دهی می‌پردازند. در پایان چون پرده حائل میان آن‌ها کنار می‌رود، آینه رومیان و نقش‌های بدیع در آن آشکار می‌شود (رومی، ۱۳۷۸: ۲۵). موسی^(ع) در زمان کودکی ریش فرعون را می‌کشد و به صورت او سیلی می‌زند. فرعون برای اطمینان از

الگوهای آزمایش و طبقه‌بندی آن در حکایت‌ها و قصه‌های ایرانی _____ عباس سعیدی و همکار

بی‌خردی کودک خرد و شعور او را با آزمایش انتخاب آتش و زمرد می‌آزماید (یغمایی، ۱۳۵۶: ۱۵۹۹-۱۶۱۳). ابلیس برای امتحان شکیبایی و ایمان ایوب از خدا می‌خواهد او را با بیماری و بلا و مرگ فرزندان آزمایش کند. ایوب با صبر و شکیبایی تمام سختی‌ها را تحمل می‌کند (بلعمی، ۱۳۴۱: ۳۲۳-۳۳۲). خدا برای ازدواج قایل زنی جنی و برای هابیل حوری را در نظر می‌گیرد. قایل به این امر اعتراض می‌کند و حضرت آدم برای نشان‌دادن صلاحیت هابیل از آن دو می‌خواهد در راه خدا قربانی بدهند. قربانی هابیل پذیرفته می‌شود و قربانی قایل پذیرفته نمی‌شود (جرجانی، ۱۳۳۷: ۳۵۳/۲-۳۵۵). دانشمند عبدالصمد برای اینکه بفهمد احمد جام از اولیای الهی است یا خیر، لباس او را در آتش می‌اندازد و لباس او نمی‌سوزد (ژنده‌پیل، ۱۳۷۳: ۱۲۰). احمد جام برای متقاعد کردن مردم مالین که منکر او هستند، مشتی زر را در دستان دانشمند ابراهیم به خاک تبدیل می‌کند (همان، ۲۴۱-۲۴۲). چند معشوق از عاشقان خود می‌خواهند تا برای اثبات صداقتشان در عشق، خود را به پایین کوه بیندازند. عاشقان حقیقی درصدد انجام این کار برمی‌آیند. (هلالی جغتایی، بی‌تا: ۲۸۶). همه سرداران ایرانی آرزومند ازدواج با بانوگشسب، دختر رستم، هستند. وی آن‌ها را با زور آزمایی (کشیدن کمان نریمان) می‌آزماید و گیو پیروز می‌شود (افشاری و مدائنی، ۱۳۷۷: ۲۰۰-۲۰۲).



نمودار ۶: تعداد و نوع آزمایش‌ها در گروه‌های بررسی شده



نمودار ۷: نوع آزمایش‌ها در قصه‌های بررسی شده

براساس این نمودار جنبه‌های عملی آزمون کرداری نسبت به دیگر آزمون‌ها بسامد بیشتری در داستان‌های بررسی شده دارد. این نکته نشان می‌دهد که در داستان‌ها همواره فرد امتحان‌کننده مایل است تا ممتحن را به صورت عملی و از طریق کرداری مورد محک و آزمایش قرار دهد و این نوع آزمایش ویژگی‌ها و خصوصیات و همچنین خواسته‌ها و ایده‌های فرد را نمایان می‌سازد.

۵. نتیجه‌گیری

در بررسی ۲۳۷ داستان از حکایات و قصه‌های ادبیات فارسی با این مشخصه که تمامی آن‌ها از عنصر آزمایش بهره‌مند هستند، مشخص شد که در تمامی نمونه‌های آزمایش با سه رکن روبه‌رو هستیم: اهداف آزمایش، طرفین آزمایش (آزمایش‌شونده و آزمایش‌کننده) و نحوه و نوع آزمایش.

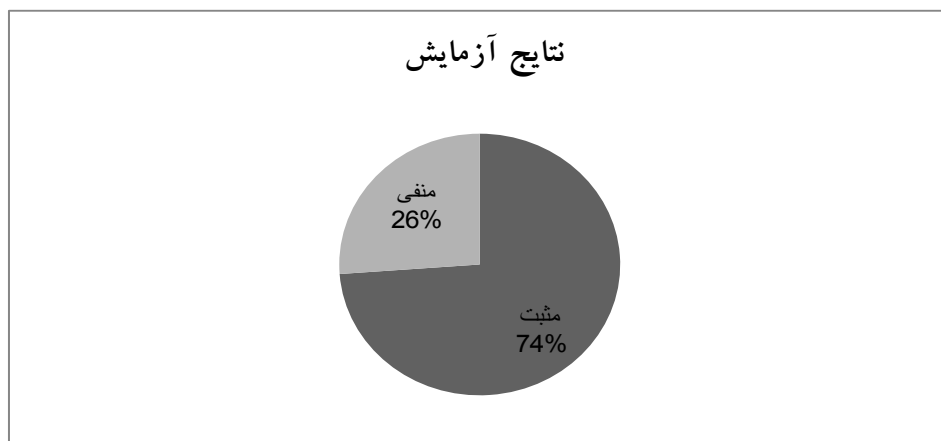
در یک جمع‌بندی کلی، داستان‌ها از نظر اهداف آزمایش به ۱۴ دسته طبقه‌بندی می‌شوند که بدین شرح‌اند: کشف حقیقت و شناخت مجهولات و آگاهی‌بخشی؛ اثبات‌کردن واقعه یا امری مانند اثبات یا رفع اتهام، اثبات بلندطبعی، بی‌گناهی، درستی دین، حقانیت اولیا و پیامبران و...؛ تمیزدادن یا برتری‌بخشیدن امری بر امری دیگر یا

فردی بر فرد دیگر و نشان‌دادن شایستگی برای رسیدن به موقعیت یا کسب درجات؛ راستی‌آزمایی (سخن، ادعا، عاشق و معشوق، صداقت دوستان و...) و افشای سخن و ادعای کذب؛ ادب‌سنجی؛ طبع‌آزمایی و هنرآزمایی؛ محک‌زدن آزمایش‌شونده در اموری چون ایمان، توبه، فرمان‌برداری، فراست و کرامت، جوانمردی و انصاف، وفای به عهد، حضور قلب و شجاعت، سخاوت و کرم؛ ارادت و وفاسنجی؛ توان‌سنجی؛ از سر واکردن؛ مجازات و تنبیه سرکشان و مطیع‌کردن نفس؛ استرداد اموال؛ سنجیدن صبر و شکیبایی؛ و خردسنجی.

داستان‌ها از نظر طرفین آزمایش به ۹ گروه تقسیم می‌شوند که شامل امامان، بزرگان و حکما، پادشاهان و خلفا، پیامبران، دوستان و مریدان، عرفا و اولیا، عشاق، متفرقه و عادی و آزمایش الهی می‌شود و از جهت نحوه و نوع آزمایش‌ها به سه دسته کلی کلامی، اخلاقی و کرداری تقسیم می‌شود که هر یک از این موارد شامل شیوه‌های مختلفی از نظر نوع آزمایش می‌شود.

طی بررسی‌ها مشخص شد که از مجموع داستان‌های بررسی‌شده در ۱۷۵ داستان آزمایش‌شونده موفق به انجام آزمایش شده و نتیجه آزمایش مثبت است. نتایج مثبت آزمایش‌ها شامل گروه‌های امامان ۹ مورد، بزرگان و حکما ۲۲ مورد، پادشاهان و خلفا ۲۹ مورد، پیامبران ۲۶ مورد، آزمایش الهی ۵ مورد، دوستان و مریدان ۴ مورد، عرفا و اولیا ۵۴ مورد، عشاق ۲۳ مورد، متفرقه و عادی ۳ مورد است. نوع آزمایش‌های ارائه‌شده شامل کلامی ۵۲ مورد، اخلاقی ۴۲ مورد و کرداری ۸۰ مورد است.

از مجموع داستان‌های بررسی‌شده در ۶۲ داستان آزمایش‌شونده ناتوان از انجام آزمایش شده و نتیجه آزمایش منفی است. این نتایج شامل گروه‌های امامان ۴ مورد، بزرگان و حکما ۲ مورد، پادشاهان و خلفا ۱۶ مورد، پیامبران ۶ مورد، آزمایش الهی ۳ مورد، دوستان و مریدان ۸ مورد، عرفا و اولیا ۱۰ مورد، عشاق ۱۰ مورد، متفرقه و عادی ۳ مورد است. نوع آزمایش‌های منفی شامل کلامی ۱۷ مورد، اخلاقی ۱۷ مورد و کرداری ۲۸ مورد است.



نمودار ۸: نتایج آزمایش

پی نوشت ها:

۱. بقره/ ۲ / ۲۴ و ۳۴؛ طه/ ۲۰ / ۸۵؛ اعراف/ ۷ / ۱۵۵؛ قمر/ ۵۴ / ۵۵؛ بقره/ ۲ / ۱۰۲.

2. ordea

منابع

- آذر افشار، احمد (۱۳۷۶). *افسانه و قصه های آذربایجان*. تهران: نشر دی.
- آذرگشسب، اردشیر (۱۳۷۲). *مراسم مذهبی و آداب زرتشتیان*. ج ۳. تهران: فروهر.
- ابوالفتح رازی، حسین بن علی (۱۳۸۱). *گزیده روض الجنان و روح الجنان*. به کوشش محمدجعفر یاحقی. ترجمه محمدحسن خزاعی و محمد مهدی ناصح. مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی.
- اردستانی، پیرجمالی. *تفسیر سوره یوسف*. نسخه خطی. کتابخانه ملک. ش ۴۸۷۸. نستعلیق سده دوازدهم.
- افشاری، مهران و مهدی مداینی (۱۳۷۷). *هفت لشکر (طومار جامع نقالان)، از کیومرث تا بهمن*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- امیری، زهرا (۱۳۸۷). «امتحان و آزمایش از دیدگاه قرآن». کوثر. ش ۲۸. صص ۹۶-۱۰۰.

الگوهای آزمایش و طبقه‌بندی آن در حکایت‌ها و قصه‌های ایرانی _____ عباس سعیدی و همکار

- انجوی شیرازی، سیدابوالقاسم (۱۳۵۷). *قصه‌های ایرانی، گل به صنوبر چه کرد*. ج ۱. چ ۲. تهران: امیرکبیر.
- براهنی، رضا (۱۳۶۲). *قصه‌نویسی*. چ ۳. تهران: نشر نو.
- بلعمی، ابوعلی (۱۳۵۳). *تاریخ بلعمی*. تصحیح ملک‌الشعرا بهار. تهران: زوار.
- بهار، مهرداد (۱۳۸۰). *بندهش*. چ ۲. تهران: توس.
- پاکزاد، عبدالعلی (۱۳۸۷). «ابتلا و آزمایش در قرآن». *پژوهش‌های قرآنی*. ش ۵۴-۵۵. صص ۳۴۲-۳۷۷.
- پراپ، ولادیمیر (۱۳۹۲). *ریخت‌شناسی قصه‌های پریان*. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: توس.
- پریشانی، زیبا و مسعود شیربچه (۱۳۸۸). *بن‌مایه‌ها و عناصر قصه‌های پری‌وار ایرانی*. چ ۱. نجف‌آباد: دانشگاه آزاد اسلامی.
- جامی، نورالدین عبدالرحمان‌بن‌احمد (۱۳۷۰). *مثنوی هفت اورنگ*. تصحیح مرتضی مدرس گیلانی. تهران: گلستان کتاب.
- جرجانی، حسین‌بن‌حسن (۱۳۳۷). *تفسیر گازر*. به کوشش جلال‌الدین محدث ارموی. تهران: انتشارات مهر آیین.
- حسنی، حسن (۱۳۵۳). «اوردالی». *حقوق مردم*. ش ۳۵. صص ۱۵۰-۱۵۶.
- حسنی رازی، مرتضی (۱۳۶۴). *تبصرة العوام فی معرفة مقالات الانام*. تصحیح عباس اقبال. تهران: اساطیر.
- حسین‌زاده، علی محمد و محمدرضا بهروز (۱۳۸۲). «ابتلا و آزمایش الهی». *کلام اسلامی*. ش ۴۶. صص ۴۶، ۱۴۲-۱۶۰.
- حسینی، محمد (۱۳۸۴). *ریخت‌شناسی قصه‌های قرآن، بازخوانش دوازده قصه قرآنی*. تهران: ققنوس.
- خدیش، پگاه (۱۳۸۷). *ریخت‌شناسی افسانه‌های جادویی*. تهران: علمی و فرهنگی.
- خلیلی، محمد (۱۳۷۶). *افسانه‌های آذربایجان*. ج ۱. تهران: مینا.
- خوابی، مجد (۱۳۴۵). *روضه خلد*. تصحیح محمود فرخ و حسین خدیو جم. تهران: زوار.
- داریوساباتوچی (۱۳۷۸). «اوردالی (آزمایش ایزدی یا آیین ور)». ترجمه مهرداد رایجیان اصلی. *کانون*. س ۴۴. ش ۱۷. صص ۱۶۳-۱۸۰.

- دلاشو، م. لوفلر (۱۳۶۴). *زبان رمزی قصه‌های پری‌وار*. ترجمه جلال ستاری. چ ۱. تهران: توس.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. چ ۲. تهران: مؤسسه دهخدا.
- دهلوی، امیر خسرو (۱۹۶۴). *مجنون و لیلی*. تصحیح طاهر احمد اوغلو محرم اوف. چ ۱. مسکو.
- دوستخواه، جلیل (۱۳۹۲). *اوستا*. چ ۱۲. تهران: مروارید.
- راغب اصفهانی (۱۳۷۱). *نوادری: ترجمه کتاب محاضرات‌الادب و محاورات‌الشعراء و البلغاء*. ترجمه محمد صالح قزوینی. به کوشش احمد مجاهد. تهران: سروش.
- رزمجو، حسین (۱۳۷۰). *انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی*. مشهد: آستان قدس.
- رضوانیان، قدسیه (۱۳۸۹). *ساختار داستانی حکایت‌های عرفانی*. چ ۱. تهران: سخن.
- رومی، احمد (۱۳۷۸). *دقایق‌الطریق*. به کوشش محسن کیانی. تهران: روزنه.
- ژنده‌پیل، احمد بن ابوالحسن (۱۳۷۳). *مفتاح‌النجات*. تصحیح علی فاضل. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ساتن، ال. پی ال (۱۳۷۴). *قصه‌های مشدی گلین خانوم*. به کوشش اولریش مارزلف و دیگران. چ ۱. تهران: نشر مرکز.
- سلامی، مسعود و کامبیز صفیئی (۱۳۹۱). «بررسی جهان‌بینی در دو اثر اسطوره‌های حماسی *شاهنامه* و سرود نیلونگن». *مطالعات ادبیات تطبیقی*. س ۶، ش ۲۳. صص ۸۳-۱۰۸.
- سنایی، مجدود بن آدم (۱۳۷۷). *حدیقه‌الحقیقه و شریعه‌الطریقه*. به کوشش محمدتقی مدرس رضوی. تهران: دانشگاه تهران.
- شیعی سبزواری، حسن بن حسین (۱۳۷۸). *راحة‌الارواح*. تصحیح محمد سپهری. تهران: میراث مکتوب.
- صرفی، محمدرضا (۱۳۷۹-۱۳۸۰). «آزمون آتش». *ادب و زبان فارسی*. ش ۱۳-۱۴. صص ۳۱-۵۷.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۲). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ج ۱۴. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- طبرسی (۱۳۶۰). *مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن*. ترجمه مترجمان. تحقیق رضا ستوده. ج ۷۷. تهران: فراهانی.
- عطار، فریدالدین (۱۳۶۸). *الهی‌نامه*. تصحیح هلموت ریتز. چ ۲. تهران: توس.

الگوهای آزمایش و طبقه‌بندی آن در حکایت‌ها و قصه‌های ایرانی _____ عباس سعیدی و همکار

- (۱۳۸۰). *تذکره الاولیاء*. به کوشش محمد استعلامی. تهران: زوار.
- (۱۳۷۷). *مصیبت‌نامه*. تهران: جاده ابریشم.
- عناصری، جابر (۱۳۶۱). «آتش، آوردگاه پلیدی و پاکی به مناسبت اردیبهشتگان». *چیستا*. ش ۱۰. صص ۱۲۸۴-۱۲۹۸.
- عناصری، ابوالقاسم (۱۹۶۶). *وامق و عذرا*. به کوشش محمد شفیع. پاکستان: دانشگاه پنجاب.
- عوفی، سدیدالدین محمد (۱۳۶۰-۱۳۷۰). *جوامع الحکایات و لوامع الروایات*. ۷ ج. به کوشش مظاهر مصفا و دیگران. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- غزالی، محمدبن محمد (۱۳۹۲). *نصیحة الملوك*. تهران: انتشارات جامی.
- فراهی، میرزا برخورداد (۱۳۷۳). *داستان‌های محبوب القلوب*. تصحیح علی‌رضا ذکاوتی قراگوزلو. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- کاشانی، حبیب‌الله (۱۳۷۹). *ریاض الحکایات*. کاشان: مرسل.
- محمدبن منور (۱۳۶۷). *اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید*. به کوشش محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: آگاه.
- معین، محمد (۱۳۶۳). *مزدیسنا و ادب فارسی*. تهران: دانشگاه تهران.
- مولوی، جلال‌الدین (۱۳۷۵). *مثنوی معنوی*. تصحیح ر. نیکلسن. تهران: توس.
- میبدی، رشیدالدین (۱۳۳۱ - ۱۳۳۹). *تفسیر کشف الاسرار و عدة الابرار*. به کوشش علی‌اصغر حکمت. تهران: دانشگاه تهران.
- میرصادقی، جمال (۱۳۶۶). *ادبیات داستانی؛ قصه، داستان کوتاه، رمان*. چ ۱. تهران: شفا.
- ناشناس (۱۳۵۴). *منتخب رونق‌المجالس و بستان‌العارفین و تحفه‌المیریدین*. تصحیح احمدعلی رجایی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- نظامی عروضی (۱۹۰۹). *چهارمقاله*. تصحیح عبدالوهاب قزوینی. لیدن: بریل.
- نورعلی شاه (۱۳۴۸). *جنات‌الوصال*. به کوشش جواد نوربخش. تهران: خانقاه نعمت‌الهی.
- نیشابوری، رضی‌الدین (۱۳۴۱). *مکارم اخلاق*. به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه. تهران: بی‌جا.
- هلالی جغتایی (بی‌تا). *دیوان*. به تصحیح و کوشش سعید نفیسی. تهران: سنایی.
- وراوینی، سعدالدین (۱۳۶۷). *مرزبان‌نامه*. تصحیح محمد روشن. تهران: نو.
- یغمایی، حبیب (۱۳۵۶). *ترجمه تفسیر طبری*. چ ۲. تهران: توس.

